

سماجت مقدس مسوولان با تقوای چند کاره ما!

داشتن مشاغل متعدد، بی ارتباط به هم و بی ارتباط با تحصیلات و تخصص افراد در کشور ما برای

عده ای به صورت يك "حق" درآمده است!

دکتر منوچهر کیانی

این روند از مدت ها قبل پذیرفته شده و به صورت یک عرف جا افتاده درآمده که اگر یک تیم ورزشی که برایش انتظار موفقیت وجود دارد، برخلاف تصور شکست خورد، فوراً مربی آن استعفا می دهد، چون نتوانسته انتظارات علاقه مندان به آن رشته ورزشی را برآورده سازد.

مدتهاست رسم شده و به صورت سنت درآمده که اگر برخلاف انتظار، حزبی در انتخابات شکست خورد، رهبر منتخب آن استعفای دهد تا جای او را فرد دیگری بگیرد تا شاید حزب در انتخابات بعدی موفقیت بیشتری کسب کند.

مدتهاست رسم شده و به صورت عرف و سنت درآمده که اگر ورزشکاری به علت افزایش سن یا علل دیگری، توانایی و کارایی خود را از دست داده و همچون سابق قادر به رقابت و عرض اندام نباشد، خودش صحنه را ترک می کند و جایش را به نیروهای جوانتر و کارآمدتر می سپارد!

مدتهاست در کشورهای اروپایی و آمریکایی رسم شده و به صورت عرف و سنت درآمده که اگر سیاستمداری را متهم به یک عمل خلاف قانون یا سوء استفاده کنند و این اتهام سنگین باشد، وی تا روشن شدن موضوع از شغل خود استعفا می دهد و چه بسا که دیگر هرگز به شغل خود باز نگردد و مطرود افکار عمومی شود!

چند سال پیش که در آمریکا ماجرای "اترکیت" اتفاق افتاد، معلوم شد که جمهوری خواهان در یکی از ستادهای دموکرات ها دستگه شوند تعبیه کرده اند، نیکسون رئیس جمهور وقت آمریکا مجبور به استعفا شد. به علاوه، نبرد اخن فقهلیکس و پنجاه هزار دلار مالیات، جرم دیگری بود که اتهامات وارده به نیکسون را سنگین تر می کرد.

زمانی که اسرار روابط شخصی بیل کلینتون با کارآموز کاخ سفید مونیکا لویسنکی از پرده بیرون افتاد، افکار عمومی در آمریکا چنان دچار هیجان و حیرت شد که نزدیک بود رییس جمهور آمریکا مجبور به استعفا شود!

در سال ۱۹۷۴، زمانی که مقامات امنیتی آلمان غربی دریافتند که منشی شخصی ویلی برانت، صدر اعظم معروف و محبوب آلمان غربی، جاسوسی است به نام "گیوم" که آلمان شرقی در کنار او کارگذارده، ویلی برانت از سمت صدارت عظمی، بدون اینکه مجبور به این کار باشد، استعفا داد! وی در اعلامیه ای اظهار امیدواری



هلموت کهل با وجود خدمانی که به آلمان کرد و با آن که ثابت نشده حتی یک مارک را خودش تصاحب کرده باشد به دلیل پرداخت ثبت نشده مبالغه به دفاتر حزب دموکرات مسیحی تحت بازجویی قرار گرفت.

کرد که استعفاى او به ثبات و تقویت دموکراسی نوها در آلمان غربی کمک کند!

در سال های آخر قرن گذشته میلادی، پارلمان آلمان چند بار هلموت کهل را که از سال ۱۹۸۲ تا ۱۹۹۸ یعنی به مدت شانزده سال، مقام صدارت عظمی را بر عهده داشت و در انتخابات سال ۱۹۹۸ از حزب سوسیال دموکرات شکست خورد، احضار کرد و وی را از این بابت مورد بازجویی قرار داد که مبلغی حدود بی میلیون مارک را که بدون ثبت در دفاتر حزب، شخصاً به احزاب دموکرات مسیحی در مناطق مختلف آلمان پرداخته، از چه منابعی دریافت کرده است؟ عدم ثبت این مبالغه در دفاتر حزبی، مخالف قانون احزاب است. همه اتفاق نظر داشتند که صدر اعظم سابق آلمان حتی یک مارک برای خودش بر نداشته و هیچ سوء استفاده شخصی در کار نبوده است. فاش نکردن اینکه این مبالغه را هلموت کهل از چه منابعی دریافت کرده، به آبرو و حیثیت شخص وی و به محبوبیت حزب دموکرات مسیحی لطمه سنگینی زد و باعث شد که این حزب در چند انتخابات محلی در صد بالایی از آرای طرفداران خود را از دست بدهد.

در حال حاضر، رییس جمهور فرانسه، ژاک شیراک، متهم است که در سال ۱۹۹۵ با خانواده خود برای گذراندن تعطیلاتش به طور خصوصی با هواپیمای کنکورده سفر کرده و با این کار مبلغی حدود سیصد هزار دلار به بیت المال (بودجه) کشور فرانسه ضرر زده است! رییس جمهور فرانسه این ادعا را رد می کند و اعتقاد دارد رفتار وی از نظر قانونی صحیح بوده و حاضر نیست در هیچ دادگاهی حضور یابد، اما آمادگی دارد هر توضیحی را به پارلمان فرانسه بدهد!

همچنین در حال حاضر، وزیر خارجه سابق فرانسه رولان دو ما در دادگاه محاکمه می شود و به احتمال زیاد به زندان هم محکوم خواهد شد، زیرا به استخدام دوست دخترش در شرکت نفتی دولتی آلف-آلوتین کمک کرده و همین شخص، پس از استخدام، نقش

واسطه رابین این کنسرسیونم بزرگ نفتی و وزیر خارجه به عهده داشته است. دو ما متهم است که مبلغی حدود شصت میلیون فرانک از این کنسرسیون نفتی دریافت کرده تا اجازه دهد به تایوان چند کشتی جنگی فروخته شود! همین اتهام فساد به وزیر خارجه فرانسه توسط دادستانی پاریس سبب شد که رولان دو ما از شغل وزارت خارجه استعفا دهد و منتظر محاکمه خود در دادگاه بماند.

لوتار اشپیت سال ها نخست وزیر و مرد اول یکی از بزرگترین و ثروتمندترین ایالات آلمان یعنی بادن ورتنبرگ بود، اما وقتی افشا شد که وی و خانواده اش به هزینه یک شرکت خصوصی برای گذراندن مرخصی به آفریقای جنوبی مسافرت کرده اند، مجبور به استعفا از مقام خود شد و از عالم سیاست کناره رفت.

این عکس العمل سریع سیاستمداران در آن کشورها، از یکطرف به شجاعت شخصی خود این افراد مربوط می شود و از سوی دیگر، به عفت و اخلاق عمومی، با این توضیح که افکار عمومی و مردم آن کشورها تحمل چنین دولت مردانی را که از موقعیت شغلی خود سوء استفاده می کنند، ندارد. به علاوه، پس از فاش شدن سوء استفاده، دادستانی وارد ماجرا می شود و علیه فرد خاطی اعلام جرم می کند و چه بسا، این دادستانی است که برای اولین بار بی به اعمال خلاف قدرتمندان سیاسی یا اقتصادی می برد و علیه آنان اعلام جرم می کند.

اما متأسفانه در کشور ما وضع چنین نیست! در خیلی از موارد، شجاعت شخصی وجود ندارد، هر چند به داشتن تقوا زیاد تظاهر می شود. عفت و وجدان عمومی هم آنقدر گسترده و نیرومند نیست که کار ساز باشد و افراد خاطی و سوء استفاده چی را طرد کند! از همین رو، در انتخابات اخیر ریاست جمهوری (۱۸ تیر ماه ۱۳۸۰) دو نفر از اعضای کابینه (یک وزیر و یک معاون رییس جمهور) بدون اینکه از مشاغل خود استعفا دهند، خود را کاندیدای ریاست جمهوری کردند و در مقابل رییس جمهور که او نیز نامزد شده بود، قرار گرفتند.

پس از معلوم شدن نتیجه انتخابات و شکست فاحش این دو نامزد، باز به جای اینکه از شغل وزارت و معاونت ریاست جمهوری استعفا دهند، دوباره به سرکار خود بازگشتند و لابد انتظار دارند که در کابینه بعدی باز شغل و سمتی داشته باشند!

یکی دیگر از نامزدهای ریاست جمهوری از انتخابات گذشته، سال های متمادی است دانشگاهی را به میل و سلیقه خود اداره می کند، از وزارت علوم حرف شنوایی ندارد، هر میزان شهریه را که خواست برای

دانشجویان تعیین می کند و لازم نمی داند به کسی حساب و کتاب پس دهد و یابیلانی، صورت دخل و خرج سالانه ای و یالیست حقوق و پاداشی را منتشر کند. ایشان در برنامه های تبلیغاتی خود، تأسیس و اداره این دانشگاه را که جمعاً هشتصد هزار دانشجو در سراسر کشور دارد و به همین تعداد نیز تاکنون در رشته های مختلف مدرک فارغ التحصیلی داده است، نمونه ای از توانایی و قدرتمندی خود یاد کرد و حتماً توقع داشت که حداقل چند میلیون نفر به وی رأی دهند! وقتی که معلوم شد آرای ایشان در سراسر کشور بیش از دویست و اندی هزار رأی نیست، ایشان باید از شغل

بالاترین مقامات اجرایی و

سیاسی کشورهای دیگر به معنی

افشای خطایشان، یا استعفا

می دهند یا معاکمه می شوند، اما

مسوولان خاطی ما فقط از شغلی به

شغل دیگر نقل مکان می کنند

ریاست دانشگاه استعفا می داد و کناره می رفت! اما همچنان قدرتمند سرکار خود باقی ماند.

طبق مقررات دانشگاه تهران، یک استاد تمام وقت، حق تدریس در دانشگاه دیگری را ندارد، مگر اینکه گروه آموزشی دانشگاه، وی را برای تدریس در جای دیگر معرفی کند. در عمل، چون اکثر دانشکده ها و دانشگاه ها استاد کم دارند، دانشگاه تهران و سایر دانشگاه ها در مورد تدریس اساتیدشان در دانشگاه های دیگر سخت گیری نمی کنند.

حال کار به جایی کشیده شده که نه فقط خیلی از اساتید در سایر دانشگاه ها بیشتر از دانشگاه خود تدریس می کنند، بلکه چند سمت رسمی دولتی هم دارند! در یک مورد، حتی یک استاد تمام وقت در آن واحد ریاست دو دانشگاه را هم عهده دار است!

یکی از همین اساتید که خود را نامزد نمایندگی مجلس کرده بود، در بروشور تبلیغاتی خود اعلام کرده بود که علاوه بر استادی تمام وقت یکی از دانشگاه ها، حدود ده سمت و شغل دیگر را نیز بر عهده دارد و بدین گونه مشغول خدمت به خلق الله است! اگر خوب بررسی شود، هر یک از این سمت های شغل های دهگانه، احتیاج به فردی دانش آموخته و باتجربه دارد که تمام وقت و با تمام نیرو در آن سمت انجام وظیفه کند!

حال این استاد محترم دانشگاه قصد داشت که نمایندگی خلق تهران را هم در مجلس شورای اسلامی به عهده بگیرد و از حقوق آنان همانگونه دفاع کند که در سایر مشاغل و مقاماتش می کند!

پس از انجام انتخابات، ایشان خیلی ناراحت شده بود که مردم قدرش را ندانسته و وی را به نمایندگی خود انتخاب نکرده اند.

در بین مقامات و صاحب منصبان کمتر فردی یافت می شود که چند شغل و سمت نداشته باشد. در اکثر موارد هیچ رابطه ای بین تخصص این صاحب مقام و شغلش وجود ندارد، چون یا این صاحب مقام تحصیلات و تخصصی ندارد و یا اگر هم تحصیلات و تجربه ای دارد، به شغلش مربوط نمی شود.

مشاغل و سمت های کلیدی در دست عده معدودی می چرخد، از همین رو اگر به شرح زندگی صاحب مقام ها توجه کنیم، می بینیم فردی که وزیر شده، بعد معاون وزیر یا رییس سازمان گردیده و باز دوباره عهده دار وزارتخانه دیگری شده و پایه عنوان سفیر به مأموریت خارج رفته است. شخص دیگری سال هاست معاون وزیر یا مدیر کل است، منتها هر چند سال در یک وزارتخانه، وزارت خانه هایی که به هم ربطی ندارند، مثلاً یکی وزارت بازرگانی است و دیگری وزارت پست و مخابرات!

معیار انتخاب برای شغل ها و سمت ها، تحصیلات، تجربه، شایستگی و مدیریت و کارآمدی افراد نیست، بلکه وابستگی به جناح و گروهی است که مشاغل را توزیع می کنند، به ندرت افراد لایق و شایسته توانسته اند در ادارات مختلف از مدیر کلی قدمی فراتر نهند و الگو و نمونه ای برای دیگران شوند، معمولاً آخرین سمت این افراد مدیر اداره بودن است!

شکفت آور این نیست که افراد بر اساس روابط و وابستگی به مقامات و مشاغل بالا می رسند و هر یک عهده دار چندین شغل و سمت هستند، حیرت آور این است که این افراد تظاهر می کنند و بر مردم منت می گذارند که برای خدمتگزاری و خیر و صلاح مردم این سمت ها را قبول کرده اند و اگر به انجام وظیفه ادامه ندهند و شانه از زیر بار مشاغل مختلف خالی کنند، چرخ ها از گردش می ایستد و مملکت دچار خسارت جبران ناپذیری خواهد شد، از همین رو، اگر به آنها اتهام سوء استفاده زده شود، اگر خلاف مقررات و قانون، مشاغلی را عهده دار باشند و مورد ایراد واقع گردند، اگر ناتوانی آنان در مدیریت کارهایشان بر ملا شود و اگر مردم خواستار کناره گیری و استعفایشان شوند، باز هم با سماجت و اصرار در شغل خود می مانند و انجام وظیفه می کنند!